

قتل مانع حقیقی موانع ارث

مرئضی طیبی

استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان Tabibi890@gmail.com

محسن اکبری

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان Mohsen.akbari79@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۱۷

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۲۲

چکیده

گاهی وجود اسبابی در شخص وارث سبب منع وی از ارث مورث خود می گردد که به این اسباب موانع ارث گفته می شود. با وجود اختلاف فقهای مذاهب اسلامی، در تعداد موانع ارث اما همگی بریکی از این موانع که قتل نام دارد متفق القولند. هرچند ایشان در نوع قتل و شرایط خاص آن اختلاف نظر دارند. هدف این مقاله ضمن بازشناسی دقیق موانع ارث و استدلالهای ارائه شده در این خصوص، بررسی مانع قتل به عنوان تنها مانع پذیرفته شده در تمامی مذاهب اسلامی می باشد. نتیجه عمده حاصل از این تحقیق شناخت دقیق موانع ارث و نیز ویژگی های قتل به عنوان مانع ارث بوده و نیز دریافت این نکته که قتل عمدی، همیشه مانع ارث تلقی نمی گردد.

واژگان کلیدی: موانع ارث - قتل - دفاع مشروع وارث - مورث

در اصل دوازده قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است "دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری" است، و این اصل الی‌الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) طبق فقه خودشان آزادند و دعاوی مربوط در دادگاهها رسمیت دارند... قانون مدنی ایران با اینکه در موارد مختلفی از احوال شخصیه سخن به میان آورده است اما تعریفی از آن ارائه نداده است و تنها اکتفا به ذکر برخی از مصادیق آن مثل نکاح و طلاق و اهلیت و ارث نموده است "بطور کلی می‌توان گفت احوال شخصیه عبارت از کلیه اموری است که ارتباط با وضع و اهلیت اشخاص دارد و چون ارث هم در قسمت مربوط به قوانین اصلی با وضع و اهلیت اشخاص مرتبط است بنابراین جزء احوال شخصیه محسوب می‌شود. موانع ارث بعنوان یکی از مباحث مهم و اساسی احوال شخصیه بوده که اساتید حقوق مدنی به هنگام بحث از ارث، باتوجه به ترتیب مباحث قانون مدنی به اختصار به آن پرداخته و کمتر به بیان جزئیاتش اشاره کرده اند. موانع ارث در قانون مدنی ایران شامل قتل و کفر و لعان و ولادت از زنا می‌باشد اما نیم نگاهی به کتب فقها و حقوقدانان به وضوح اختلاف ایشان را در تعداد و نوع موانع ارث مشخص می‌نماید. با این وجود قتل اجمالا از جمله موانعی است که مورد اتفاق تمامی مکاتب و مذاهب اسلامی بوده و در قانون مدنی ایران نیز به صراحت به آن اشاره شده است. در این مقاله سعی شده تا ابتدا موانع ارث بیان شده و در ادامه قتل به عنوان مانع حقیقی ارث مورد کنکاش قرار گیرد. در ضمن بحث، نظر فقهای مذاهب اسلامی، حقوق مدنی ایران و برخی اقلیت های دینی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. مطالب این مقاله شامل مقدمه، دو فصل و یک نتیجه می باشد

۱. موانع حقیقی ارث و تعداد آن

بر مبنای اجماع فقهای شیعه (صاحب جواهر، ۱۲۶۶ق، ص ۵۱۵) و صراحت ماده ۸۸۰ قانون مدنی، قتل در نظام حقوقی ایران از موانع ارث محسوب گردیده است. نکته قابل ذکر آنکه وفق صراحت قانون موانع ارث صرفا به قتل ختم نمی گردد بلکه موارد دیگری همچون کفر، لعان و زنا نیز از موانع ارث دانسته شده است. اما به نظر می رسد نتوان همگی اینها را مانع حقیقی ارث دانست زیرا با مطالعه کتب فقها و حقوقدانان محرز می گردد اغلب ایشان نیز اعتقادی به پذیرش جامع موارد مذکور در قانون مدنی به عنوان موانع ارث ندارند (جعفری

قتل مانع حقیقی موانع ارث / ۱۲۳

لنگرودی، ۱۳۶۳ ش، ص ۸۷). به همین خاطر از میان موانع ارث صرفاً کفر و قتل را از موانع حقیقی ارث دانسته و از این دو نیز صرفاً قتل را از موانع دائمی و ماندگار بیان می نمایند (بندرچی، ۱۳۷۲، ص ۷ و شهید اول، بی تا، ص ۱۱۳). زیرا در موانعی مثل لعان و زنا، حقیقتاً رابطه خویشاوندی وجود نداشته یا زایل می گردد بنابراین مقتضی ارث بردن وجود ندارد ولی در موانعی مثل قتل، اساساً مقتضی برای ارث بردن موجود است ولی قتل مانع تأثیر مقتضی است پس به مانع حقیقی تعبیر شده است در این فصل، ضمن ارائه تعریف مانع ارث به بیان تعداد موانع ارث پرداخته و در نهایت ویژگی های موانع حقیقی ارث را بازگو می نماییم.

۱-۱- تعریف :

با بررسی متون قانونی محرز می گردد مقنن ایرانی هیچ تعریف صریحی از مانع ارث ارائه ننموده است. اما حقوقدانان مانع ارث را عبارت از: "صفت یا فعلی که در وارث باشد یا از او صادر شود و در نتیجه او را از اصل ارث یا بعض ارث محروم و ممنوع گرداند." دانسته اند (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳ ش، شماره ۵۵۸۵).

۱-۲- تعداد :

با مطالعه کتب فقهی آشکار می گردد در بیان تعداد موانع ارث بین فقها اختلاف نظر زیادی موجود می باشد چنانکه هر یک از بزرگان بر مبنای استدلال و توجیهاتی مواردی را به عنوان موانع ارث بیان داشته اند چنانکه محقق حلی (شرایع الاسلام، ۱۴۰۳ ق، ج ۲ ص ۸۱۴) و محمدحسن نجفی (جواهر الکلام، ۱۳۹۸ ق، ج ۳۹ ص ۱۵) موانع ارث را به ۳ مانع قتل، کفر و بردگی منحصر دانسته اند. برخی دیگر از فقها نیز با اضافه نمودن لعان و تولد از زنا به موانع قبل تعداد آنها را به پنج مانع رسانده اند (امام خمینی، بی تا، ص ۲/۳۶۴). از فقهای دیگر شهید اول نیز «در کتاب لمعه، موانع ارث را ۷ مانع، کفر، لعان، حمل، غیبت وارث مفقود الاثر، قتل، زنا و بردگی ذکر می کند ولی در کتاب الدروس (بی تا، ص ۲۵۳) تا ۲۰ مانع را نیز می شمارد که عبارتند از رقیبت، کفر، قتل، لعان، زنا، تبری جستن نزد سلطان و حاکم از جریره فرزند و میراث وی^۱، شک در نسب، غیبت منقطع، دین مستغرق در ترکه، علم هم زمانی مرگ متوارثین، حمل قابل وراثت مادامی که زنده به دنیا نیاید، دوری درجه با وجود وراثت نزدیک تر، ازدواج مریض با زنی

^۱ . در شماره ۶۰۹۳ ترمینولوژی حقوق دکتر لنگرودی در تعریف ضمان جریره آمده: هرگاه کسی که با دیگری رابطه وراثت ندارد ضمن عقدی ضامن جرائم وی باشد و با فوت وی مضمون له از ترکه او ارث ببرد

که ورثه اجازه نداده باشند، فرزند متولد شده اگر استهلال و حیاتش معلوم نباشد، مشتبه شدن وراثت با برده، منع به اندازه قیمت کفن، منع به اندازه وصیت کمتر از ثلث، عین اگر موقوفه باشد و نهایتاً عبد اگر جنایتکار باشد. در بین فقهای اهل تسنن نیز همین اختلاف نظر موجود است چنانکه سرخسی از فقهای مذهب حنفی موانع ارث را پنج مانع رقیبت، ارتداد، قتل، اهل ملتین و اهل الدارین ذکر می کند (المبسوط ۱۳۷۰ق، ج ۳۰ صفحه ۳۰). یا مالک بن انس به عنوان بنیانگذار مذهب مالکی موانع ارث را چهار مانع اهل ملتین، اهل الدارین، اقتران فوت متوارثین و قتل می داند (الموطا، ۱۴۰۶ق، ص ۵۱۹). ابن ادریس معروف به امام شافعی بنیانگذار مذهب شافعی در اثر معروف خود-ام- بدو موانع ارث را سه مانع اهل ملتین، رقیبت و قتل دانسته و در ادامه کفر و ارتداد را نیز ذکر می کند (ام، ۱۳۹۳ق، ص ۷۵). و نهایتاً ابن قدامه از فقهای مذهب حنبلی موانع ارث را سه مانع رقیبت، قتل و اهل ملتین ذکر می کند (المغنی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۰). در قانون مدنی ایران تحت عنوان "در شرایط و جمله از موانع ارث" کفر، قتل، لعان و زنا از موانع ارث دانسته شده است. اما نکته قابل توجه آنکه با توجه به عبارت "... و جمله از موانع ارث" این گونه برداشت می شود که در نظر مقنن موارد دیگری از موانع ارث وجود داشته که به طور صریح ذکر نگردیده است چراکه عبارت از جمله دلالت بر تمثیل واز باب نمونه دارد. در هر حال آیا واقعا همه این موارد، مانع حقیقی ارثند؟ یقیناً همه موانع چهارگانه فوق، مانع به معنای لغوی محسوب می شوند ولی از اقسام مانع اصطلاحی منطقی محسوب نمی شوند، زیرا چنانچه گفته شد، در موانعی مثل قتل، با وجود مقتضی ارث، قتل مانع ارث بردن قاتل از مورث خود می شود پس می توان گفت که قتل از موانع حقیقی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱-۳- تبیین ماهیت موانع ارث

موانع ارث موقعی شناخته می شود که دارای ویژگی های ذیل باشند: اول آنکه مانع در وارث جمع شده باشد یا مانع از اصل ارث گردد نه آنکه ویژگی خاص موجود در مورث، مانع کسب ارث گردد. در این اساس ادعای اهل تسنن مبنی بر عدم ارث بری فرزندان پیامبر صحیح نمی باشد. توضیح آنکه پیروان اهل تسنن معتقدند نبوت از جمله موانع ارث است و دارایی شخص پیامبر به استناد "نحن معاشر الانبیاء لا نورث و ماترکنا" به اولاد و ورثه اش منتقل نمی گردد (الشوکانی، ۱۳۵۷ق، ج ۵). در حالی که در جواب باید گفت نبوت وصف و امتیازی است که در شخص مورث حاصل می گردد نه وارث. لذا هیچ منعی در ارث بردن همسر و فرزندان پیامبر نیست و نبوت را نمی توان به عنوان مانع ارث تلقی نمود (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳ش ص ۲۷۴)

قتل مانع حقیقی مواع ارث / ۱۲۵

ویژگی دوم مانع ارث آن است که مانع وصف باشد نه شخص، پس هیچگاه حاجب نمی تواند به عنوان مانع ارث تلقی گردد چراکه حاجب شخص است نه وصف (همان ص ۸۰) اما در بین مواع ارث، برخی مانع حقیقی هستند و برخی چنین نیستند، ویژگی خاصی که موجب می شود مانع، مانع حقیقی باشد این است که در وارث، مقتضی وراثت وجود داشته باشد یعنی هم اسباب ارث که سبب و نسب است موجود باشد و هم شروط ارث (دکتر امامی، ۱۳۴۰ و دکتر لنگرودی، ۱۳۶۳). پس بر این مبنا و با توضیحات ارائه شده مشخص می گردد مواع ارث محدود بوده و نمی تواند تمامی موارد مذکور در فقه به عنوان مانع ارث محسوب گردد. و مواعی که اغلب فقها و از جمله قانون مدنی ایران، آنها را به عنوان مانع ارث نام برده اند نیز برخی، از مصادیق مانع در علم منطق بوده و برخی از مصادیق عدم مقتضی است به عبارت روشن تر، به نظر می رسد تنها قتل و کفر از مواع حقیقی ارث هستند، حال پس از شناخت مواع حقیقی ارث ذیلا قطعی ترین مانع ارث که مورد نظر قاطبه مکاتب فقهی و مذاهب اسلامی است مورد بررسی قرار می گیرد.

۲. قتل به عنوان مانع ارث

قتل یکی از مواع ارث است که مورد اتفاق تمامی مذاهب (جواهرالکلام، ۱۳۹۸، ج ۳۹، ص ۲۳، تحریرالوسیله، بی تا، ج ۲، ص ۳۶۷، المبسوط، ۱۴۰۶، ج ۳۰، ص ۳۰، الموطا، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۵۱۹، الام، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۷۵) می باشد چنانکه به غیر از صراحت فقهای اسلامی در این خصوص در ادیان دیگر مانند زرتشتی و مسیحی نیز همین اعتقاد جاری است (فهیمی، ۱۳۸۱). در حقوق فرانسه نیز مقنن در ماده ۷۲۷ قانون مدنی آن کشور، شایستگی ارث بردن را از یکسری مرتبطنین به قتل سلب می نماید. همگی این اجماع از این جهت است که اساس ارث بر علاقه و محبت میان وارث و مورث است و وارث با قتل مورث این رابطه عاطفی را گسیخته است به همین خاطر مقنن به منظور حفظ و صیانت از جان افراد و جلوگیری از سوء استفاده ایشان اقدام به وضع قتل به عنوان مانع ارث نموده است این از سویی است که ارتکاب قتل از جرائمی است که نظم عمومی و اخلاق حسنه را جریحه دار کرده و تبعات آن ایجاب می نماید تا مقنن با وضع مقررات خاص مجازاتهای تکمیلی نیز بر قتل وضع نماید. بی شک اعمال قانون سخت گیرانه منع ارث نمی تواند در خصوص هر نوع قتلی باشد این در حالی است که بر خلاف نظر مقنن ایرانی منبعث از اجماع فقهای شیعه در خصوص شرایط ویژه قتل مانع ارث، در دیگر آیین و حتی سایر مذاهب اسلامی یا شرایطی برای قتل مانع ارث قائل نیستند و یا به بیان شرایط کلی و دو پهلو اکتفا نموده اند چنانکه در مذاهب شافعی و حنبلی هر نوع قتلی را مانع ارث

دانسته و تفاوتی بین قتل عمدی و غیر عمدی قائل نشده اند (ابن قدامه، ۱۳۹۰ق، ۲۶/۳۰) و یا پیروان مذهب حنفی نیز قتل حرام را مانع ارث دانسته اند و قتل حرام نیز از نظر ایشان قتلی است که مستوجب کفاره یا قصاص باشد (المبسوط، ۱۳۷۰ق). با این توضیحات قول کدام صائب است آیا هر نوع قتلی مانع ارث است؟ قبل از پاسخ دهی به سوال لازم است شرایط قتل مانع ارث بر مبنای قانون مدنی ایران که منطبق با دیدگاه علمای مبرز شیعه می باشد بیان شود.

۲-۱- شرایط قتل مانع ارث

۲-۱-۱- عمدی بودن:

از دیدگاه قانون مدنی و فقه شیعه قتلی مانع ارث است که قتل عمد باشد. وفق مواد ۲۰۶ و ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی قتل بر سه قسم است ۱- عمدی ۲- خطئی ۳- شبه عمدی یا شبه خطئی

قتل در موارد ذیل عمدی است:

۱. زمانی که قاتلی با انجام کاری قصد کشتن (رأی اصراری شماره ۴۶- ۷۳/۳/۲۹ و شماره ۳۶ مورخ ۷۳/۹/۸) شخص معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را دارد خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد، ولی سبب (رأی وحدت رویه ۱۳۳۶/۹/۷) قتل می شود.

۲. مواردی که قاتل عمداً کاری انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد کشتن شخص را نداشته باشد

۳. مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام می دهد که نوعاً کشنده نیست، ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و امثال آنها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد و قتلی که به عنوان مانع ارث شناخته می شود همین قتل عمد است

از صراحت ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی محرز می گردد که قتل خطئی نقطه مقابل قتل عمدی است و آن قتلی است که قاتل نه قصد جنایت دارد و نه قصد فعل مانند شکارچی که تیری را به قصد شکار رها می کند و به شخصی برخورد نماید و قتل شبه عمد قتلی است که قاتل قصد فعل دارد ولی قصد جنایت ندارد مثل طبیب حاذقی که بیماری را متعارف معالجه و اتفاقاً سبب قتل وی می شود.

همچنان که گفته شد به اجماع علماء قتل مانع ارث همان قتل عمد است و عدم مانعیت قتل خطئی طبق صحیحه محمد بن قیس از امام صادق (ع) که فرموده اند:.... اذا قتل الرجل امه خطأ ورثها و ان قتلها متممداً فلا يرثها» ثابت می گردد هر چند این روایت در خصوص مادر

قتل مانع حقیقی موانع ارث / ۱۲۷

است اما به وسیله اولویت قطعیه و اجماع مرکب می توان روایات خاصه را توسعه و به پدر نیز تسری داد (قبله ای خوبی، ۱۳۸۱، ص ۷۷). و منظور از اولویت قطعیه یعنی اگر قتل مادر مانع ارث نیست قتل پدر به طریق اولی چنین است و منظور از اجماع مرکب یعنی فقها دو گروهند. گروهی به عدم مانعیت خطا قائل و فرقی بین پدر و مادر نمی گذارند و گروهی که در اقلیت هستند قائل به مانعیت قتل خطئی بوده و فرقی بین پدر و مادر نمی گذارند پس هر دو گروه فرقی بین پدر و مادر نمی گذارند و این همان اجماع مرکب است و فتوی برخلاف آن خلاف اجماع است.

والبته در قانون مدنی ایران قتل خطئی و شبه عمد از موانع ارث محسوب نمی گردد و قاتل این گونه قتل ها همانند سایر افراد از ارث مورث خود بهره مند می گردد و علت آن نیز نبود قصد و تعمد در حصول نتیجه (قتل) از سوی قاتل است.

قتل خطئه شبیه عمد در کدام دسته قرار می گیرد عمدی یا خطئی؟ در پاسخ باید گفت در هیچ آیه یا روایتی الحاق قتل خطئه شبهه عمد به قتل عمد دیده نمی شود بنابراین الحاق قتل شبیهه عمد به قتل عمد و جاهتی ندارد لیکن شواهدی در کتاب و سنت وجود دارد که خطا به قتل شبیهه عمد نیز اطلاق شده است. از جمله آیه شریفه ۹۲ سوره نساء: "ما کان لمؤمن ان یقتل مؤمناً الاً خطاً" یعنی هیچ فرد با ایمانی حق ندارد فرد با ایمان دیگری را به قتل برساند مگر اینکه از روی خطا به این کار مبادرت نموده باشد. در این آیه خطا در قتل شبیهه عمد استعمال شده و برای اثبات این ادعا به شأن نزول آیه می توان توجه کرد که پیامبر شخصی را که به گمان مهدور الدم بودن واشتباه کشته رابه منزله قتل خطئی دانستند

۲-۱-۲- ناحق وظالمانه بودن قتل (قتل نامشروع)

از دیگر شرایط قتل عمد به عنوان مانع ارث آن است که قاتل باید به ناحق وظالمانه عمل کند و لذا اگر قتل به حق یا در مقام اجرای حق و یا در مقام دفاع باشد مانند اینکه وارث مورث خود را به عنوان قصاص یا به عنوان حد و دفاع از خود یا مال و عرض خود بکشد این قتل مانع ارث نخواهد بود. این مطلب در ماده ۸۸۱ قانون مدنی اصلاحی سال ۱۳۶۱ نیز به صراحت ذکر شده است در این خصوص مسائلی مطرح می گردد که لازم است بررسی گردد اول آنکه هرگاه دادگاه به استناد شهادت شهود (وارث) حکم به اعدام مورث وی صادر کند آیا می توان شهود وارث را به دلیل امکان انتساب قتل بالتسبیب به ایشان به جهت شهادت دروغ ممنوع از ارث دانست شاید نظری بر آن باشد که با اعتقاد به اینکه حکم از سوی مرجع قضایی صادر گردیده و مأمور اجرای دادگاه آن را اجرا نموده و شهود نقشی در اجرای حکم نداشته اند نتوان

شهود وارث را ممنوع از ارث دانست اما این نظر نمی تواند به طور کامل صحیح باشد چرا که مجموعه دادگاه اعم از قاضی و مامور اجرا به وظیفه قانونی خود عمل نموده اند و نمی توان قاضی را بر مبنای تعهد به وسیله ای که در استخراج احکام داشته و یا مأمور اجرا نیز که به وظیفه قانونی خود عمل نموده است را مطلقاً مسوول دانست پس در این موضوع، نقش شهود - که با شهادت کذب و عدوانی خود سبب قتل مورث شده و بر خلاف قاضی و مامور اجرا که به وظیفه قانونی خود عمل نموده اند - موثرتر و کارآمدتر می باشد. لذا در صورتی که دادگاه بر مبنای شهادت شهود کاذب اقدام به صدور حکم قتل نموده باشد ایشان (شهود)، قاتل بالتسبیب بوده و ممنوع از ارث می باشند. بدیهی است در صورتی که مستند رای قاضی، اقرار یا قسامه و ... باشد نمی توان شهود را به سهولت ممنوع از ارث دانست.

نکته دیگر آنکه با توجه به اطلاق دفاع در قسمت دوم ماده ۸۸۰ قانون مدنی در خصوص قتل در مقام دفاع آیا موضوع حکم فقط دفاع از نفس مدافع است چنانکه از عبارت فقها نیز قابل استنباط است آنجا که می فرمایند "کما اذا كان قصاصاً أو حاداً أو دفاعاً عن نفسه أو عرضه أو ماله" یا دفاع از دیگران را هم شامل می شود و نیز آیا این دفاع صرفاً دفاع از جان است یا شامل دفاع از مال، ناموس و عرض نیز می گردد؟

در این خصوص نظرات مختلف ارائه شده است چنانکه برخی از اساتید با این استناد که دفاع مذکور در ماده ۸۸۰ قانون مدنی را نمی توان به استناد مواد ۶۱ یا ۹۲ قانون مجازات اسلامی تعیین کرد معتقدند عنوان دفاع مذکور در ماده ۸۸۱ قانون مدنی شامل دفاع از عرض، ناموس و مال دفاع کننده و دیگری نیز می شود زیرا منظور از وضع مقررات کیفری، صرفاً تعیین اقسام دفاعی که تعقیب و مجازات را منتفی می سازد بوده است نه تعیین معنای دفاع که بر آن آثاری حقوقی مترتب است. از سویی اطلاق مذکور در ماده اطلاقاً ضعیف بوده و نیز اینکه هیچ سنخیت و ملازمه ای بین غیرقابل تعقیب و مجازات بودن قتل در مقام دفاع و ارث بردن قاتل از مقتول در مقررات قانونی وجود ندارد. (شهیدی، ۱۳۷۴، ص ۵۵)

غالب حقوقدانان نیز با استناد به اطلاق کلمه دفاع مذکور در ماده معتقدند دفاع مورد نظر مقنن شامل هر نوع دفاع و برای هر شخصی می باشد خواه دفاع از جان، مال و عرض خود یا دیگری باشد (بندرچی، ۱۳۷۲، ص ۸۷) اما به نظر می رسد بتوان معیار بهتری ارائه داد و آن همان ملاک عمدی و غیرعمدی و عدوانی و غیر عدوانی بودن است و در این صورت می توان سایر مصادیق را نیز با این ملاک تطبیق داد.

۲-۱-۳- وقوع قتل مورث از سوی وارث

یکی دیگر از شرایط قتل مانع ارث آن است که وارث، مورث مستقیم و بالفعل خویش را به قتل برساند. آنچه از این شرط قابل استنتاج است آنکه اولاً لازم است وارث، مورث خویش را مستقیماً به قتل رساند بنابراین در صورتی که وارث در دعوی مورث خود را مضروب سازد و وی در راه بیمارستان تصادف کرده و فوت کند نمی توان وی را قاتل دانست هرچند به جهت همان علت وی در چند روز بعد فوت می نمود. نکته دیگر آنکه لازم است وارث، مورث خود را به قتل رساند لذا در صورتی که شخصی به قتل مورث شخص دیگری اقدام نماید و آن دیگری، خود، به نوعی مورث قاتل باشد در چنین فرضی، قاتل از ارث محروم نیست به عنوان مثال در صورتی که شوهر، فرزند همسر خود را بکشد تا بدین ترتیب به جای وی، نصف ما ترک همسر را به ارث ببرد یا زن، فرزند منحصر به فرد شوهر خویش را به قتل برساند تا پس از فوت به جای ثمن، ربع ترکه را مالک شود، در این حالات قاتل ممنوع از ارث محسوب نمی گردد زیرا نمی توان هیچ یک از اینها را قتل مورث محسوب نمود.

۲-۱-۴- امکان حیات قبلی مقتول

یکی دیگر از شروطی که هر چند اختلافی است اما به نظر جزء امور بدیهی است آنکه مقتول مستقر الحیوه باشد، به عبارت دیگر مقتول حی بوده و امکان تداوم حیات برای وی متصور باشد هرچند مشرف به مرگ باشد پس شخصی که ادراک و شعور و نطق و حرکت اختیاری از وی سلب شده را نمی توان حی و دارای حیات مستقر دانست بنابراین کشتن چنین فردی به نظر قتل محسوب نمی شود تا شخص ممنوع از ارث به حساب آید حال که شرایط قتل مانع ارث بیان شد می توان با تطبیق مختصر دیدگاه قانون مدنی بر مبنای نظر فقهای شیعه و دیدگاهی که هر نوع قتلی را مانع ارث می دانند به وضوح دریافت که نظر اول به حقیقت نزدیک تر است چراکه اولاً: توجه به روح آیات و روایات محرز می گردد شارع با وضع مجازات تکمیلی قتل صرفاً در صدد مجازات بیشتر عامل یا عاملین قتل عمدی است که با نیت سوء اقدام می نمایند و برای قاتلین به خطاهمان پرداخت دیه را کافی دانسته و مجازات بیش از آن را ضروری نمی بیند و البته این به عدالت نیز نزدیکتر است ثانیاً: اصل بر انتقال اموال مورث پس از فوت وی به وارث است و موانع ارث استثناء بر این انتقال است بی شک نایبست دامنه استثنائات افزایش یابد بلکه می بایست با توجه به مستندات و ادله متقن ارائه شده دامنه استثنائات را در حد معمول نگه داشت و آخرینکه با توجه صراحت آیات و روایات و نظر غالب فقهای اسلام، نایبست

خلاف این اجماع اظهار نظر کرد لذا با جمیع مطالب به نظر می رسد منظور از قتل مانع ارث همان قتل عمد با ویژگی های خاص است. اما آیا هر نوع قتل عمدی را نیز می توان مانع ارث محسوب کرد؟

۲-۲- انواع قتل عمد به اعتبار قاتل و مقتول

برای تحقق قتل مانع از ارث باید قاتل در قتل عمدی بالغ و عاقل بوده و دفاعا مرتکب قتل نشده باشد و مقتول نیز انسان بالفعل باشد و اگر انسان بالقوه (جنین) باشد، تحت شرایطی اسقاط آن، موجب ممنوعیت از ارث می گردد ذیلا عناوین فوق تشریح می گردد.

۲-۲-۱- قتل عمد به اعتبار قاتل

قتل عمد به اعتبار قاتل را در دو مبحث قابل بررسی است.

۲-۲-۱-۱- قتل از طرف صغیر و مجنون

قانون مدنی در ماده ۸۸۰ به طور مطلق، قتل عمد را مانع ارث دانسته و بر این مبنا، هر شخصی که با قصد مجرمانه و به هدف رسیدن به نتیجه عمل خلاف قانون خویش که همان قتل مجنی علیه می باشد اقدام نماید از ارث وی محروم گردانیده است. با این حال مقنن به قتل مورث از طرف افراد مجنون یا عاقل یا کودکان یا اشخاص بزرگسال اشاره ای نکرده است حال سوالی که مطرح می شود اینک با توجه به عدم تفضیل قانون مدنی بین اشخاص فوق الذکر، آیا ارتکاب قتل از طرف اشخاص دیوانه و صغیر، مانع از ارث خواهد بود یا خیر؟ در پاسخ به این سوال، برخی فقها قتل ارتكابی توسط صغیر و مجنون را به علت غیر عمد بودن و فقدان قصد، در حکم قتل خطایی دانسته و به همین سبب، اعتقادی به محرومیت ایشان از ارث ندارند (تحریر الوسیله، بی تا، ج ۲، ص ۵۵۲) در حالی که صغیر ممیز را از جهت دارا بودن قصد و داشتن قوه تمییز در صورت ارتکاب قتل مورث، ممنوع از ارث قلمداد کرده اند در حالیکه با توجه به ماده ۲۲۱ (۱) و تبصره یک ماده ۲۹۵ (۲) قانون مجازات اسلامی و با توجه به سابقه قبلی موضوع، باید بر آن بود که از نظر قانون گذار ایران، اشخاص مجنون و صغیر، دارای عمد بوده و در مواد قانونی فوق الذکر نیز بحث از قتلی می باشد که آنها عمداً مرتکب می شوند،

۱. هرگاه دیوانه یا نابالغی عمداً کسی را بکشد، خطا محسوب شده و قصاص نمی شود، بلکه باید عاقله آنها دیه قتل را به ورثه مقتول بدهند»

۲. جنایت های عمدی و شبه عمدی دیوانه و نابالغ به منزله خطای محض است»

قتل مانع حقیقی موانع ارث / ۱۳۱

زیرا حکم قتل شبه عمد و خطای محض از سوی آنان یا هر کس دیگر، قبلاً از نظر قانونگذار مشخص شده است. با این حال مقنن در تبصره ماده اخیر الذکر جنایات‌های عمدی کودک و دیوانه رادر حکم خطای محض می‌داند، بنابراین صغیر و مجنون در هر حال از ما ترک مقتول به جز دیه ارث می‌برند و محروم از ارث او نخواهند بود (به نقل از طاهرزاده دادیار دادگستری از نجفی، ۱۳۹۸ق، ۳۹/۴۰).

۲-۲-۱-۲-۲-قتل در فراش

در حقوق اسلام، از جمله مواردی که شخص قاتل به رغم ارتکاب قتل عمدی از مجازات معاف است، قتلی است که در ماده ۶۳۰ تعزیرات سال ۱۳۷۵ به آن اشاره شده است. در این ماده آمده است: «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد، می‌تواند در همان حال، آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد را می‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیاز مانند قتل است. ۱»

حال مساله ای که مطرح می‌گردد اینکه از نظر حقوقی، در قانون مدنی ما تعریفی از کلمه «دفاع» ارائه نشده است و از آنجا که در ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی مفهوم دفاع به موضوع دفاع از نفس و... یا دیگران منصرف شده است و در حقیقت دفاع در ماده ۸۸۱ قانون مدنی را باید شامل دفاع مندرج در ماده ۶۳۰ قانون تعزیرات بدانیم و با توجه به اینکه در مورد ماده ۶۳۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ ش. اکراه و عنفی وجود ندارد، آیا می‌توان قاتل (مورد ماده ۶۳۰) را از ارث محروم کرد؟

بعضی از شارحان قانون مدنی معتقدند اولاً صرف معافیت از مجازات امری استثنایی و محدود به دایره شمول خود است، بلکه وجود ماده ۸۸۱ قانون مدنی خود موید این ادعاست و اگر صرف معافیت از مجازات مدنی در مورد بحث، دال بر عدم ممنوعیت از ارث بود، دیگر لزومی نداشت که قانون مدنی مجدداً به آن تصریح کند. ثانیاً قتل مزبور از مصادیق دفاع مشروع مندرج در ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی نیست؛ زیرا در مورد دفاع از نفس، قید اکراه و عنف وجود دارد و معمولاً در مورد قتل موضوع ماده ۶۳۰ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ کسی که متعرض

^۱ . نظریه شماره ۷/۳۰۲-۴/۲۶-۷۸ و ۷/۷۰۰۵-۷/۱۰/۲-۸۱/۱۰/۲ اداره حقوقی قوه قضائیه: «ماده ۶۳۰ ق. م اسلامی ناظر به زوجه ای است که مطلقه نشده باشد و تعمیم آن به نحوی است که شامل رجعیه هم بشود، تفسیر موسع قانون است که در جزئیات مجاز نیست، بنابراین قتل زن مطلقه در عده رجعیه توسط شوهر سابق از لحاظ جواز قتل نیامده و بین فقها هم اختلاف نظر وجود دارد»

۱۳۲ / فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱

ناموس دیگری می شود، موضوع اکراه و عنف پیش نمی آید ولذا دلیلی بر منع محرومیت از ارث قاتل وجود ندارد (عمید، ارث، ص ۱۳۷-۱۳۸ و امامی، ارث، ص ۲۰۳).
اما برخی از حقوقدانان معتقدند:

«درست است که در مورد وجود رابطه اجنبی با زن که با رضایت و مطاوعت از طرف زن انجام گرفته اصولاً موضوع اکراه و عنف پیش نمی آید، ولی با دقت در ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی می توان گفت که مسئله دفاع از عرض یا ناموس، از جمله مواردی است که قانون گذار مدافع آن را معاف از مجازات دانسته است و در فرض مذکور نیز اگر چه رابطه مرد اجنبی با زن دیگری بدون وجود عنف و اجبار حاصل شده است، هدف وجود چنین عملی از طرف مرد بیگانه، تجاوز به ناموس یا عرض زوج به شمار می آید از این رو، وی درصدد دفاع از ناموس بر می آید و دفاع وی مشروع قلمداد می گردد؛... بنابراین، باید قاتل را علاوه بر مجازات کیفری از مجازات مدنی (ممنوعیت از ارث) نیز معاف دانست.» (بندرچی، ۱۳۷۲، ص ۹۴)

هرچند این نکته را نیز به نظر باید افزود ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی می تواند یکی از مصادیق « موارد ممتاز دفاع مشروع ۱» به شمار می آید که قانون گذار، شرط ضرورت و تناسب را در آن مفروض دانسته و اماره قانونی و غیر قابل ردی را به نفع شوهر ایجاد کرده است. لازم به ذکر است قانون گذار مصر نیز در مواد ۲۲۷ و ۲۵۱ قانون عقوبات چنین قتلی را مانع ارث نمی داند و به آن تصریح کرده است.

باین توضیحات محرز گردید تمامی انواع قتل عمد نیز نمی تواند مانع ارث تلقی گردد. چنانکه لازم است هریک شرایط خاص خود را داشته باشد

۲-۲-۲- قتل عمد به اعتبار مقتول

برای اینکه قتل عمد، از مصادیق قتل مانع ارث محسوب گردد، باید مقتول انسان بالفعل باشد، ولی کشتن یا اصطلاحاً اسقاط انسان بالقوه (جنین)، تحت شرایطی می تواند، مانع ارث محسوب گردد.

طبق ماده ۹۵۷ قانون مدنی، حمل در صورتی که زنده متولد شود، از حقوق مدنی متمتع می گردد، بنابراین در صورتی که حمل بعد از فوت مورث خود زنده به دنیا بیاید، از او ارث

^۱ . حقوقدانان ایران به تاسی از قانون گذار فرانسوی در کتابهای خود به تشریح موارد ممتاز دفاع مشروع پرداخته اند (وطن خواهان اصفهانی، ۱۳۷۸: ۴۸).

قتل مانع حقیقی موانع ارث / ۱۳۳

خواهد برد با توجه به این امر، سوال قابل طرح این است که هرگاه وارثی به طمع تحصیل سهم الارث بیشتر، عمداً عملی انجام دهد که باعث سقط جنین شود، آیا از ارث جنین سقط شده محروم خواهد شد یا خیر؟ فرض کنید اگر شخصی که مادرش دارای حملی از پدر متوفای اوست، برای جلوگیری از به وجود آمدن وارثی دیگر و افزایش سهم الارث خود با انجام دادن عملی، موجبات سقط جنین را فراهم آورد. آیا در چنین موردی می توان گفت که این شخص از ارث جنین سقط شده محروم خواهد بود؟

با توجه به ماده ۸۷۵ قانون مدنی که می گوید: « شرط وراثت، زنده بودن در حین فوت مورث است و اگر حملی باشد، در صورتی ارث می برد که نطفه او حین الموت منعقد بوده و زنده هم متولد شود اگر چه فوراً پس از تولد بمیرد» برای چنین حملی می توان دو حالت زیر را در نظر گرفت:

۱. طفل بر اثر اعمال مزبور ساقط شده و مرده متولد گردد.

۲. حمل پس از سقط شدن زنده بماند و بعداً بر اثر اعمالی که منجر به سقط جنین شده است فوت نماید.

در حالت نخست با توجه به ماده ۸۷۵ قانون مدنی باید گفت: چنین حملی شرط وراثت را که همان زنده متولد شدن است دارا نیست، بنابراین حمل ساقط شده پس از مرگ، از خود ترکه ای به جا نمی گذارد تا مورث به شمار آید در نتیجه وارثی نخواهد داشت تا بحث ممنوع از ارث بودن او مطرح شود. حال، سوالی که ممکن است مطرح شود اینکه اگر سقط جنین به منظور از میان برداشتن حاجب از کل یا بعض ارث واقع شود، آیا در چنین فرضی، قتل حاجب از تمام یا بعض ارث، در حجب قاتل تاثیر می گذارد و حجب او را رفع می نماید یا اینکه قتل حاجب مانع ارث بردن قاتل از متوفی می گردد؟^۱

با دقت در ماده ۸۸۰ قانون مدنی که می فرماید: " آن کسی که مورث خود را عمداً بکشد، از ارث او ممنوع می شود." به نظر می رسد منظور از قتلی که از جمله موانع ارث شمرده شده است در خصوص قتلی است که ماترک به طور مستقیم از مقتول به قاتل ارث می رسد و در واقع، ممنوعیت قاتل از ارث در رابطه بین وارث و مورث قابل تصور است. همچنین قانون، قاتل کسی را که به وسیله قتل او از ترکه دیگری برخوردار می شود، از ارث محروم ننموده است از این رو، در صورتی که جنین به عنوان حاجب به قتل برسد تا قاتل از پدر مقتول ارث ببرد، نمی

^۱ منظور ارث بردن از اموال مقتول نیست، چرا که بدون شک از آن ممنوع است، بلکه منظور ارث بردن از اموال مورث حاجب (مقتول) است که پیش از قتل از آن محجوب بوده است.

توان قائل به ممنوعیت ارث قاتل از پدر مقتول شد زیرا ماده ای قانونی برای این امر موجود نیست و ممنوعیت قاتل از ارث استثناً بر قاعده توارث است و در این مورد می بایست مرقانون اجرا شود و نمی توان از نظر وحدت ملاک حکم، ماده ۸۸۰ قانون مدنی را در مورد قتل حاجب جاری نمود

در حالت دوم که شخص به قصد از بین بردن جنین، عمداً به اعمالی مبادرت می نماید که حمل ساقط می شود و پس از تولد و اندکی زنده ماندن بر اثر اعمال مزبور فوت می نماید، باید گفت: در چنین فرضی، شخص مزبور قاتل عمدی است و به موجب ماده ۸۸۰ قانون مدنی ممنوع از ارث خواهد بود؛ زیرا در این مورد با توجه به اینکه حمل زنده متولد می شود، از حقوق مدنی از جمله حق تملک اموال برخوردار می گردد. از طرف دیگر، چون حمل، پس از زنده متولد شدن فوت کرده، ارث به علت موت حقیقت می یابد بنابراین ترکه او باید به ورثه اش برسد منتهی در مورد بحث، چون وارث مزبور سبب سقط و در نتیجه مرتکب قتل جنین شده است، باید طبق مفاد مواد ۸۸۰ و ۸۸۱ قانون مدنی از ارث ممنوع گردد (دکتر امامی، ۱۳۴۰، ص ۲۰۳ و دکتر بندرچی، ۱۳۷۲).

نتیجه گیری

ارث از طرق قهری انتقال اموال است ولی گاهی اسبابی که در قانون به عنوان موانع ارث شناخته شده جلو این طریق انتقال اموال را می گیرند. هر یک از فقها به زعم خویش بر اساس مستنداتی تعداد موانع ارث را متفاوت ذکر نموده اند چنانکه گاهی تا بیست مانع نیز ذکر شده است. مقنن ایرانی در مواد ۸۸۰ و ۸۸۱ قانون مدنی تعداد موانع ارث را چهار مانع قتل، کفر، ولادت از زنا و لعان می داند اما با بررسی دقیق موانع ارث محرز می گردد صرفاً قتل و کفر حائز شرایط مانع شدن از ارث را دارند و سایر موارد در ظاهر مانع ارث بوده ولی حقیقتاً مانع ارث نیستند. در اینکه قتل عمد در تمامی مکاتب و مذاهب مانع ارث محسوب می گردد شک نیست. اما نکته مهم آن است که اصولاً نه تنها هر نوع قتلی مانع ارث محسوب نمی گردد بلکه بر حسب عقل و منطق قتل عمدی مانع ارث است که ظالمانه و عدوانی باشد لذا قتل در مقام اجرای حق یا دفاع یا در حکم حق هیچ گاه نمی تواند مانع ارث محسوب گردد. شاید تصور گردد هر نوع قتل عمدی می تواند مانع ارث محسوب گردد اما اینچنین نیست چنانکه به صراحت قانون قتل صغیر یا مجنون نمی تواند مانع ارث محسوب گردد. یا قتل مستند ماده ۶۳۰ قانون مدنی به اجماع فقها و حقوقدانان از موارد قتل در مقام دفاع ممتاز بوده و هر چند عمدی است نبایستی به عنوان قتل مانع ارث محسوب گردد یا در سقط جنین اگر مادر به منظور کسب ارث بیشتر اقدام به سقط جنین نماید و طفل بعد از تولد متوفی گردد نمی توان

قتل مانع حقیقی موانع ارث / ۱۳۵

این نوع قتل را قتل مانع ارث دانست چرا که یکی از شرایط قتل مانع ارث قتل مورث به طور مستقیم است. علی هذا موانع ارث به قتل ختم نمی شود

فهرست منابع

فارسی

- امامی، سیدحسن، (۱۳۶۴) حقوق مدنی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ سوم.
- امام خمینی، روح الله، (بیتا) تحریر الوسیله، قم: انتشارات دارال کتب العلمیه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۶۳)، ارث، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ اول.
- شهیدی، مهدی، (۱۳۷۴)، ارث، تهران: انتشارات سمت.
- شیخ الاسلامی، اسعد، (۱۳۷۴)، احوال شخصیه در مذاهب چهارگانه اهل سنت، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- صفایی، سیدحسین، (۱۳۶۹)، حقوق خانواده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عمید، موسی، بیتا، ارث در حقوق مدنی ایران، به اهتمام عباس فرید، تهران: چاپ پیروز
- فهیمی، عزیزالله، (۱۳۸۱)، بررسی تطبیقی ارث اقلیت های دینی در حقوق اسلام و ایران، قم: انتشارات اشراق، چاپ اول.
- قبله ای خوبی، خلیل، (۱۳۸۱)، ارث، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۱)، حقوق خانواده، انتشارات برنا، چاپ چهارم.
- طاهرزاده، احمد علی، (۱۳۸۶)، "شرایط قتل مانع ارث و مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی"، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال هفتم، شماره ۲۳،

عربی

- اصبعی، مالک بن انس، (۱۳۷۰ق)، الموطا انتشارات احیاء الکتب العربیه، چاپ دوم.
- حلبی، ابوالصلاح، (۱۴۰۳ق)، الکافی فی فقه احمد، اصفهان: انتشارات مکتبه امیرالمومنین، چاپ اول.
- حنبلی، عبدالله بنقدامه، (۱۴۱۴ق)، المغنی فی فقه الامام احمد بن حنبل شیبانی، بیروت: انتشارات دار الفکر، چاپ اول.

۱۳۶ / فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱

- زرقانی محمد بن عبدالباقی، (۱۴۲۴ق)، شرح الزرقانی علی موطا الامام مالک، بیروت: انتشارات دارالفکر، چاپ اول .
- سرخسی، شمسالدین، (۱۴۰۶ق)، المبسوط، بیروت: انتشارات دارالمعرفه، چاپ سوم.
- شافعی، محمد بن ادريس، (۱۳۹۳)، قال امان، بیروت: انشارات دارالمعرفه، چاپ دوم.
- شوکانی، محمد بن علی بن محمد، (۱۳۵۷ق)، نیل الاوطار شرح من تقی الاخبار من احادیث سید الاخبار مطبعه العثمانيه، مصر، چاپ اول .
- شیخ الاسلام، سید محمد، (۱۳۶۸)، راهنمای مذهب شافعی، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
- طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه انتشارات المکتبه المرتضویه، چاپ اول، بیجا.
- عاملی، ابی عبدالله محمد، الدروس الشرعیه، بیتا، قم: انتشارات صادقی، چاپ اول.
- فیروزآبادی، ابراهیم بن علی، (۱۴۰۴ق)، المهذب فی فقه مذهب امام شافعی، بیروت: انتشارات دارالفکر، چاپ اول.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن، (۱۴۱۳ق)، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، نشر اسماعیلیان، چاپ اول .
- نجفی، شیخ محمد حسن، (۱۳۹۸ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تصحیح محمد قوچانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه .